

آمیولانس

مریضی؟ نه مدیرم



پوریا عالمی

● قائم‌مقام وزیر بهداشت گفت: ۶۰هزار تخت بیمارستانی در سراسر کشور کمبود داریم.
که این نشان می‌دهد ما درحال‌حاضر ۶۰هزارمریض داریم که بستری نشده‌اند.
خب این ۶۰هزارنفر کجا هستند؟ ما نمی‌دانیم. اما در این سال‌ها تعدادی مریض دیدیم که جای اینکه بستری باشند، مسوول یک‌چیزی بودند.
خب وقتی آدم مریض را جای بستری بگذارند پشت میز یا هرجای دیگری معلوم است که هذیان می‌گوید، دست خودش که نیست، مریض است.

از طرفی قائم‌مقام وزیر بهداشت گفته: «برای ساماندهی این وضعیت ۲۵هزارمیلیاردتومان اعتبار مورد نیاز است.»

والا من حاضرم کلیه‌ام را بفروشم چهارتا مریض بیشتر بستری شوند که چهارتا جا خالی بشود و چهارتا مدیر و استاد که در این هفدهسال زمینگیر شده‌اند برگردند سرکار. حالا این از کلیه من که چون مال یک خانم دکتر بوده که باهاش می‌رفته تا مطب و برمی‌گشته و کم کار کرده است، ۳۰میلیون تومان ممکن است ازم بردارند.

می‌ماند ۲۵هزارمیلیاردتومان ۳۰میلیون کم، که به‌نظر هم ایرانی وطن‌دوستی حاضر است نفی ۳۵۰هزارتومان بدهد تا مریض‌ها بستری شوند.
باور کنید این پول جای دوری نمی‌رود، چون هر مریضی که بستری شود امنیت و سلامت تکت‌ک ما محفوظ می‌ماند و ما هزینه کمتری بابت مریض‌بازی‌ها و تصمیمات غلط برخی مدیران خواهیم پرداخت.

دیالوگ

: مریضی؟

- نه، مدیرم.

مریضی آمبولی

والا، الان ۶۰هزار مریض بی‌تخت هستند. من می‌گویم ۶۰۰۰۱مریض. آن یکیش؟ خود آمبولانس‌چی دیگر.
والا آدم عاقل بود، بعد از یک هفته نوشتن ستون روزانه، ول می‌کرد و می‌رفت دنبال شغل آبرومند و آخرواقبت‌دار.
مریضیم دیگر.

شترق روزنامه

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۲۸ بهمن ۱۳۹۳، ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۴۳۶، ۱۷ فوریه ۲۰۱۵
«سال دوازدهم» شماره ۲۳۳۹، ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۸:۰۶ • اذان صبح فردا ۵:۲۵ • طلوع آفتاب ۶:۴۸

روزنامه‌فرا



سلام به فردا

دردی برای جنوب

به سرزمین کارون بازگردد.
خوزستان، سرزمین همان مردمان شجاعی که در زمان جنگ از هر ذره خاک ایران، غیورانه و به قیمت جانشان دفاع کردند، مهد همان مردمانی که حیات اقتصادی – نفت – این سرزمین را تأمین کرده و می‌کنند، امروز از بدیهی‌ترین حق حیات یعنی نفس‌کشیدن در هوای سالم محروم شده‌اند...
. هیچ انسان وطن‌دوست و آزاده‌ای نمی‌تواند نقش سازنده جنوب ایران را در پیشرفت وطنمان، انکار کند و حالا تلاش برای رفع این مشکل، ضروری‌ترین کاری است که می‌توان برای آنها انجام داد. ولی آیا به‌راستی می‌توان مانع ادامه این فاجعه غم‌انگیز شد؟ چگونه؟ آیا نظیر این اتفاق در سایر نقاط دنیا دیده شده است؟ چرا اینقدر اطلاع‌رسانی عمومی در این منطقه کم است؟ چرا به ساکنان این منطقه مهم ایران، اطلاع‌رسانی لازم نمی‌شود تا تجهیزات مقابله با آن را پیشاپیش تهیه کرده و جان خود و عزیزشان را از عواقب غم‌انگیز اتفاقاتی از این دست حفظ کنند؟
اصولا هواشناسی قادر است حوادث اینچنینی را پیش‌بینی کرده و مردم را از وقوع آن مطلع کند؟
اینگ که متأسفانه این حادثه دردناک و ناگوار رخ داده و همه را غافلگیر کرده است، اگر دیگر خیلی دیر شده و کاری نمی‌توان کرد، حد اقل می‌توانیم با هموطنانمان همدردی کنیم! من به‌عنوان یک‌فرد ایرانی باور دارم قلب یکپاک کسانی که ایران را دوست می‌دارند، از این حادثه تلخ به درد آمده است.

میراث فردا

بزرگداشت ساده «روشن‌خانم»

سفیر لهستان؛ خانم وزیری پل فرهنگی میان ایران و لهستان بود

با روشن‌خانم می‌شود، انتظار نداشته او همسر لشک وژنیک باشد، دلیلش تسلط بی‌مانند خانم وزیری به زبان لهستانی است. او انتظار نداشته یک ایرانی به این خوبی لهستانی حرف بزند. او همچنین به تأثیرگذاری خانم وزیری در معرفی ادبیات و فرهنگ لهستانی به ایرانی‌ها اشاره دارد و اینکه ایشان پل فرهنگی میان ایران و لهستان به وجود آورده‌اند. مترجمان و نویسندگان برجسته‌ای مثل بابک احمدی، عبدالحسین آذرنگ، مژده دقیقی، ژاله آموزگار، خجسته کیا، آبتین گلکار و فرخ امیریار به‌همراه هیاتی از سفارت لهستان در این مراسم حضور دارند؛ جمع کوچکی که در آن خاطره‌های بزرگی از روشن‌خانم در ذهن مرور می‌شود. روشن وزیری، خواهرزاده «بزرگ علوی» است و برادرزاده «کنل علی‌نقی وزیری»، موسس هنرستان موسیقی. در لهستان پزشکی خواند و همان‌جا با لشک وژنیک ازدواج کرد. زندگی آنها در ایران گذشت و دست سرنوشت او را در واپسین روزها به آمریکا برد. برای درمان به نیویورک رفت و همان‌جا در کنار لشک، الیز و مریم دار فانی را وداع گفت.

و قدیمی است. توریج اتحادیه، از نشر فرزان روز، تدارک برگزاری این نشست را دیده و سخنران‌های نشست را اعلام می‌کند. گویا بنا بوده «داریوش شایگان»، یکی از سخنران‌ها باشد. اما حال‌روزر لشک را که می‌بیند، بغض می‌کند و بالای سن نمی‌آید. لشک وژنیک که حالا خودش را یک ایرانی تمام‌عیار می‌داند، ایران را به عشق روشن‌خانم زیسته و می‌گوید: «برای من ازایران رفتن سخت است.» اشک در چشمانش حلقه زده و خودش را تنهاتر از همیشه می‌بیند: «۵۴سال با روشن وزیری زندگی کردم و نبودنش این‌روزها خیلی سخت است.» اشک مدام در چشمان پیرمرد می‌دود و درد تنهایی و بدون روشن‌خانم زندگی‌کردن رهایش نمی‌کند.

تعجب سفیر از تسلط خانم وزیری به زبان لهستانی

یولیوش گویوو، سفیر لهستان هم حرف‌هایی برای گفتن دارد و از خاطرات نخستین آشنایی‌اش با همسر آقای وژنیک می‌گوید. اینکه پس از نخستین دیدار با آقای وژنیک می‌فهمد که او زنی ایرانی دارد و دفعه بعدی که به سفارت می‌روند، وقتی مشغول حرف‌زدن



آمنه شیرافکن

فضای کوچکی مهیا شده تا دوستداران «روشن وزیری» گردهم بیایند و در مراسم بزرگداشت او شرکت کنند. حالا که یک‌ماهی از انتشار خبر فوت او می‌گذرد، خانواده‌اش به ایران رسیده‌اند؛ لشک وژنیک، مریم و البزر؛ بازمانده‌های مترجم برجسته زبان لهستانی به فارسی؛ خانم پزشکی که بی‌ادعا از ۶۰سالگی ترجمه را شروع کرد و تسلطش به زبان و ادبیات خیلی‌ها را متعجب کرد. بکی‌شان «کامران فانی»، مترجم و دایره‌المعارف‌نویس توانمند ایرانی است. می‌گوید: «آخر نفهمیدم روشن‌خانم از کجا این‌همه خوب فارسی می‌نوشت و به این زبان مسلط بود.» فانی دوست ۲۰ساله روشن‌خانم است. پیش از آنکه بخواهد از ترجمه‌های وزیری بگوید، از مهربانی‌اش می‌گوید و اینکه فقدان او، فقدان یک دوست صمیمی

اتفاق

هشتم اسفند؛ زمانی برای پرواز لاک‌پشت‌های پرنده

همین‌طور بحث عدم‌حضور و انتخاب کتاب‌های مذهبی نیز مطرح شد، که معصومه انصاریان، یکی دیگر از داوران، چنین توضیح داد: «اگر تعریفمان از کتاب‌های مذهبی، کتاب‌هایی هستند که مستقیما به موضوعات مذهبی می‌پردازند، باید بگوییم که نه‌تنها در لاک‌پشت پرنده که در سایر جوایز ادبی هم نمی‌بینیم که در فهرست نهایی قرار بگیرند. به‌نظرم جامعه‌مان دیگر این‌گونه کتاب‌ها را نمی‌پذیرد چون روشن‌شان، سطحی و مانند رویکرد کتاب‌های درسی است، اما اگر از این سوزه تعریف گسترده‌تری داشته باشیم، اوضاع فرق خواهد کرد. اگر نگاهمان محدود نباشد و روش مستقیم عرضه مطلب، مدنظرمان نباشد، کتاب‌ها و منابع مذهبی و دینی زیادی وجود دارند. ازطرفی در عقبه کتاب‌هایی که به‌طور مستقیم به مفاهیم دینی می‌پردازند، پژوهش چندانی وجود ندارد و با موضوع، به‌سادگی روبه‌رو می‌شوند.» محمود برآبادی، به‌عنوان سخنگوی هیات‌داوران لاک‌پشت پرنده معیارهای انتخاب این آثار را چنین تشریح کرد: «۱- ساختار ادبی و هنری ۲-ارزش‌های جامعه مدنی و جهان‌شمول ۳-آرایش و کتاب‌سازی آثار.»

مراسم برگزاری کتاب سال لاک‌پشت پرنده هشتم‌اسفند امسال با اعلام اسامی برگزیدگان از بین آثار منتشرشده در سال ۹۲، اعلام می‌شود. همچنین نامزدهای این دوره نیز معرفی شده است.

پیشنهاد فردا

همزمان با ۳۰سالگی نشرچشمه، خانواده کیانیان کوشیده‌اند در مکانی تازه و با استفاده از تجارب حاصله، به شیوه‌ای نوتر در کار کتاب بکوشند. در افتتاحیه دیگر شعبه نشرچشمه، سخنرانی یا مراسمی خاص پیش‌بینی نشده و هدف فقط دیدار است. این دورهم‌نشینی یکشنبه، سوم‌اسفند از ساعت ۱۶ تا ۲۲ در بزرگراه ستاری، بالاتر از حکیم، مجتمع فرهنگی-تجاری گروش، طبقه پنجم برگزار می‌شود.

عریض‌وطویل نیست. فقط روی باز می‌خواد و دلی پر از عشق و محبت. این کتاب مثل یک‌مهمونی دوستانه میمونه که هر قسمتش با عشق و درد دل‌های دوستانه شروع میشه و در نهایت سفره‌ای پهن میشه که غذا؛ سالاد و دسر خودش را دارد.»

● هفته دیگر یک اتفاق خوب می‌افتد. چندوقتی است که شعبه دوم نشر «چشمه» در پردیس کوروش بازگشایی شده و چند برنامه هم برگزار کرده است.

● مراسم رونمایی از کتاب «مواد لازم: عشق به مقدار کافی» نوشته لیلا عوفی ساعت ۱۷ تا ۱۹ن در کتابفروشی حوض نقره در باغ فردوس برگزار می‌شود. نویسنده درباره این کتاب می‌گوید: «انگیزه اصلی نوشتن، یادآوری این بود که برای جمع‌شدن دور هم نیازی به تدارک آنچنانی و چیدن سفره‌های



رَسم ماندگاری را در مرکز خرید نارُون تجربه کنید

۱۵-۱۴-۰۴-۲۶۱۰